

تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۳/۱۸

بررسی مقاله: ۸۲/۳/۱۳

پذیرش مقاله: ۸۲/۷/۲۷

مجله علوم تربیتی و روانشناسی

دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۳

دوره سوم، سال یازدهم، شماره‌های ۱ و ۲

صص: ۳۵-۵۶

مقایسه ویژگیهای شخصیتی هنرمندان رشته‌های شعر و ادب، نمایش، موسیقی و هنرهای تجسمی با افراد غیر هنرمند شهر اهواز

دکتر جمال حقیقی *

دکتر اقبال زارعی **

دکتر حسین شکرکن *

دکتر منیجه شهنی ییلاق **

چکیده

این پژوهش به منظور مقایسه ویژگیهای شخصیتی هنرمندان رشته‌های شعر و ادب، نمایش، موسیقی و هنرهای تجسمی با افراد غیر هنرمند بر اساس آزمون شخصیتی نئو اجرا شده است. جامعه آماری مورد مطالعه مشتمل بر هنرمندان عضو انجمنهای شعر و ادب، نمایش، موسیقی، هنرهای تجسمی و کارکنان غیر هنرمند شاغل در اداره کل ارشاد اسلامی خوزستان، شهر اهواز و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بوده است. ۳۲۰ هنرمند و ۸۰ آزمودنی غیر هنرمند به صورت تصادفی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردید. فرضیه اصلی این پژوهش عبارت از این است که بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با افراد غیر هنرمند از نظر ویژگیهای شخصیتی تفاوت وجود دارد. فرضیه با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) مورد بررسی قرار گرفت. مقدار F برای آزمونهای بیلاتیز، هتلینگر و ویلکس به ترتیب $F=7/98$ ، $F=7/44$ و $F=7/77$ به دست آمد، که فرضیه تحقیق در سطح معنی داری $\alpha=0/001$ مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، پنج فرضیه فرعی تدوین گردید که عبارت بودند از: بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با افراد غیر هنرمند از نظر عصبيت، برون‌گرایی، باز بودن، توافق و وجدانی بودن تفاوت وجود دارد. نتایج فرضیه‌های فرعی نشان داد که به جز در شاخص عصبيت که مقدار $F=1/12$ و تفاوت مشاهده شده در گروههای هنرمند و غیر هنرمند معنی دار نشد، در سایر شاخصها، به ترتیب، برون‌گرایی با $F=22/32$ ، توافق با $F=4/05$ و وجدانی بودن با $F=5/73$ تفاوت‌های معنی داری در گروههای هنرمند با گروه غیر هنرمند مشاهده گردید و فرضیه‌های تحقیق تأیید شدند. به دلیل این که پاسخ انسان به موقعیتها براساس آمادگیهایی به نام صفات صورت می‌گیرد که در او وجود دارند، معنی دار بودن فرضیه‌ها تبیین گردید. نتایج با توجه به دیدگاه صفات کتل مورد بحث قرار گرفت.

کلید واژگان: ویژگیهای شخصیتی، عصبيت، برون‌گرایی، توافق، وجدانی بودن

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

** دکترای روانشناسی از دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

زندگی همه مردم رسوخ پیدا کرده است. اکنون زمان هنر به دست متفکران دردمند، روشن و آگاه است (شریعتی، ۱۳۷۹).

اگر چه خصوصیات شخصیتی زیادی وجود دارد، اما تحقیقات، پنج عامل را برای دسته‌بندی آنها تأیید نموده‌اند. این پنج عامل در زمانها و فرهنگهای مختلف مورد تأیید قرار گرفته و به عنوان پنج عامل بزرگ شناخته شده‌اند. این پنج عامل پس از تجدید نظرهای زیاد به عاملهای عصبیت^۳، برون‌گرایی^۴، بازبودن^۵، توافق^۶ و وجدانی بودن^۷ نامگذاری شده‌اند و اکنون مورد توافق همگان هستند (کاستا و مک‌کری^۸، ۲۰۰۲).

روانشناسانی که در زمینه شخصیت صاحب‌نظرند بر این باورند که، تفاوت‌های فردی را می‌توان بر پایه ویژگیهای نسبتاً پایدار شخصیت که توسط خود فرد گزارش می‌شوند، اندازه‌گیری نمود (حق شناس، ۱۳۷۸).

علی‌رغم این که هر انسان در نوع خود رویدادی

شخصیت را شاید بتوان اساسی‌ترین موضوع علم روانشناسی دانست، زیرا محورهای اساسی بحث شخصیت در زمینه‌هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، احساسات و عواطف است. مفهوم اصلی و اولیه شخصیت تصویر صوری و اجتماعی است و بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند، ترسیم می‌شود، یعنی در واقع فرد به اجتماع خود شخصیتی ارائه می‌دهد که جامعه بر اساس آن، او را ارزیابی می‌کند (گاردنر^۱، ۱۹۹۷ و هیل^۲، ۱۹۹۸).

مسأله هنر از دو جهت قابل طرح است، جهت اول این است که ما به عنوان انسانهای شرقی و وابسته به چند تمدن پر شکوه و عظیم اگر بخواهیم روی پای خود بایستیم، باید از سرچشمه‌های اصیل فرهنگی خود استفاده کنیم و از غرق شدن بدون اراده در ارزشها و فرهنگهای غیر خودی دوری کنیم. جهت دیگر در ارتباط با مسأله هنر این است که بر خلاف تصور گذشته، هنر یکی از جنبه‌های فرعی و تفضی زندگی برخی اراقتار مرفه و ثروتمند نیست، بلکه امروزه هنر جدی‌ترین و ضروری‌ترین مسأله انسانی است که در متن

- | | |
|----------------------|------------------|
| 1- Gardner | 2- Hale |
| 3- neuroticism | 4- extroversion |
| 5- openness | 6- agreeableness |
| 7- conscientiousness | |
| 8- Costa & McCrae | |

منحصر به فرد است. بین بسیاری از انسانها و رویدادهای زندگی آنها، آن قدر شباهت وجود دارد که بتوان نکات مشترکی را در نظر گرفت و روانشناسان شخصیت دقیقاً در پی درک همین الگوهای رفتاری هستند. روانشناسان شخصیت، بیشتر توجه خود را به تفاوت‌های افراد با یکدیگر معطوف داشته‌اند. بر این اساس، کلیت انسان و روابط پیچیده میان جنبه‌های کنش او از جمله با یادگیری، ادراک و انگیزش را مورد بررسی قرار می‌دهند (سدیج، ۱۳۷۹).

سیمونتون^۱ (۲۰۰۰)، بیان می‌دارد که روانشناسان از مدتها قبل عقیده داشته‌اند که خلاقیت به همان اندازه که جنبه عقلانی دارد، خصیصه‌ای شخصیتی نیز هست (به نقل از شکرکن، ۱۳۷۹).

- | | |
|---------------------------------|--------------------|
| 1- Simonton | 2- neuropsychology |
| 3- Isenck | 4- Pavlove |
| 5- Gray | |
| 6- behavioral inhibition system | |
| 7- behavioral approach system | |
| 8- septo-hipocamal system | |
| 9- amygdala | 10- hypothalamus |
| 11- Hpaakis | 12- baseIonglia |
| 13- calldate- nucleous | |
| 14- motor programing system | |

رویکرد جدید آزمون شخصیتی نئو در زمینه شخصیت‌شناسی به نوروپسیکولوژی^۲ نیز راه یافته است، تا آن جا که آیزنک^۳ (۱۹۶۹) معتقد بود که برون‌گرایی و درون‌گرایی با پیامهای عصبی از دستگاه شبکه مغز به نواحی قشری در ارتباطند. البته، این نکته قبلاً توسط پاولوف^۴ فیزیولوژیست روسی مطرح شده بود.

در حالی که افراد درون‌گسرا و روان نژند (هیجانی) نسبت به تنبیه حساس می‌باشند (گری، ۱۹۹۴).

احساس مسئولیت، اصولی، دارای دقت عمل و پایبند بودن به اصول اخلاقی (کاستا و مک کری، ۲۰۰۲).

شخصیت عبارت است از مجموعه‌ای سازمان یافته و واحد از خصوصیات نسبتاً پایدار و مداوم که بر روی هم یک فرد را از سایر افراد متمایز می‌کنند (خسروی، ۱۳۸۱). برای شخصیت پنج شاخص کلی بر اساس آزمون شخصیتی NEO در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

در این پژوهش منظور از شخصیت نمره‌ای است که فرد در آزمون شخصیتی نشو و مؤلفه‌های پنج‌گانه اصلی آن کسب می‌کند. شخصیت بیانگر آن دسته از ویژگیهای فرد یا افراد است که الگوی ثابت رفتاری آنها را تشکیل می‌دهند. در این زمینه، چند نکته را می‌توان مطرح کرد. نخست، این که مفاهیم شخصیت باید طوری بیان شوند که روانشناسان در نحوه مشاهده و اندازه‌گیری آنها به توافق برسند. دوم، این که شخصیت، بیانگر آن دسته از خصوصیات است که در همه انسانها مشترک است. گرچه هر یک از ما از جهاتی منحصر به فرد هستیم، در سایر جهات، شبیه بعضی یا شبیه همگان هستیم. شخصیت، هم بیانگر آن دسته از خصوصیات فرد است که وی را از سایرین متمایز و منحصر به فرد می‌سازد و هم بیانگر آن دسته از خصوصیات است که در همه انسانها مشترک است. سوم، این که شخصیت، هم شامل ابعاد پایدارتر و تغییرناپذیرتر کنش انسان است که گاهی اوقات «ساختار» نامیده می‌شوند و هم شامل

عصبیت. شدت تعلق فرد به قوم یا جماعت یا مرام و مسلک خود و جدیت و تعصب داشتن در این امر که به خشم و کینه، رفتارهای تکانشی و آسیب‌پذیری از استرس منجر می‌شود.

برون‌گرایی. هیجان‌جویی و تمایل به داشتن روابط با دوستان و ابزار پرخاشگری و ویژگیهای افراد برون‌گرا هستند.

باز بودن. داشتن تحمل برای اندیشه‌های نو، راههای تازه انجام امور و پذیرش تجربه جدید. توافق. اتفاق نظر در انجام کارها، اتحاد و همبستگی با یکدیگر و موافقت و سازگاری با دیگران در انجام امور.

وجدانی بودن. مثبت و با اراده بودن، دارای

صفات خلقی، به زندگی هیجانی فرد و سبک رفتاری او مربوطند. این که فرد دوست دارد سریع یا آهسته کار کند، معمولاً آرام باشد یا بسیار هیجانی و این که تأملی عمل کند یا به صورت تکانشی عمل کند، همه به خلق و خوی او مربوط است و از فردی به فرد دیگر فرق می‌کند. صفات پویایی به کوشش و انگیزش زندگی فرد و نوع اهدافی که برای او مهم است مربوط می‌شود. صفات توانشی، خلقی و پویایی به عنوان پایدارترین عناصر شخصیت شناخته می‌شوند (کوستا و مک کری، ۱۹۹۵). صفات سطحی بیانگر رفتارهایی هستند که ظاهراً با یکدیگر تجانس دارند ولی در واقع همراه با هم بالا و پایین نمی‌روند و ضرورتاً علت مشترکی ندارند. از طرف دیگر، یک صفت عمقی، بیانگر ارتباط بین رفتارهایی است که با هم تغییر می‌کنند تا یک بعد واحد و مستقل شخصیت را به وجود آورند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۵). از نظر کتل^۳ (۱۹۵۶) سه منبع برای زیر بنای شخصیت وجود دارد. داده‌های مربوط به پرونده زندگی، داده‌های نوع پرسشنامه‌ای و داده‌های آزمون

جنبه‌های ناپایدارتر و تغییرپذیرتر که گاهی «فسرایسند» نامیده می‌شوند. در این معنی، شخصیت به مثابه یک سیستم است. چهارم، این که شخصیت، شامل شناخت (تفکر)، عواطف (هیجانات) و رفتارهای مشهود است. شخصیت، بیشتر به روابط پیچیده بین فرایندهای شناختی، عواطف و رفتارهای فرد مربوط است (راس^۱، به نقل از جمال فر، ۱۳۷۵).

نظریه صفات، از جمله نظریه‌هایی است که تأثیر زیادی بر تحقیق در زمینه شخصیت داشته است. این نظریه بر آن است که رفتار انسان در طول زمان و در موقعیتهای مختلف ثابت و پایدار باقی می‌ماند (پروین^۲، ۱۹۸۵؛ به نقل از کدیور، ۱۳۷۴). فرض اصلی این دیدگاه آن است که پاسخهای متفاوت انسانها به موقعیتهای خاص به دلیل آمادگیهایی است که در فرد وجود دارند. به این آمادگیها صفات گفته می‌شود. به عبارت دیگر، افراد را می‌توان با توجه به طرز رفتارهای خاص شناسایی و توصیف کرد (بدیع، ۱۳۷۹).

صفات توانشی، مهارتها و تواناییهایی هستند که موجب کنش مؤثر فرد می‌شوند. هوش نمونه‌ای از یک صفت توانشی است.

1- Ross

2- Pervin

3- Cattell

عینی. داده‌های نوع اول به رفتارهای انسان در موقعیتهای روزمره مانند عملکرد مدرسه‌ای فرد و یا تقابل وی با همسالان مربوط است. داده‌های نوع دوم با شمارش یا درجه‌بندی حاصل از پرسشنامه‌ها به دست می‌آید. داده‌های نوع سوم نیز از بررسی رفتارهای فرد در چند موقعیت به دست می‌آید و در آن آزمودنی اطلاعاتی از رابطه پاسخهای خویش و ویژگیهای شخصیتی مورد اندازه‌گیری ندارد. فریرا^۱ (۱۹۹۶) معتقد است که همانند هر فعالیتی، مردان و زنان نقاش، به عنوان هنرمند، در آثارشان روان و عواطف را بازنمایی می‌کنند و با کمک روانکاوی می‌توان نسبت به پیوند ابعاد مناسب دنیای درونی آنها که از عواطف جدا شده‌اند، تلاش نمود، زیرا هنر و روانکاوی نقاط مشترکی در اصطلاحات واقعیت روانی دارند.

در مطالعه‌ای، مقایسه میانگین نمره‌های مردان و زنان نشان داد که زنان نسبت به تجربه‌ها بازتر هستند (حق شناس، ۱۳۷۸). وی نشان داد که افراد بیمار و سالم در ویژگی شخصیتی باز بودن به تجربه‌ها و اندیشه‌ها، توافق و وجدانی بودن با یکدیگر تفاوت دارند. در پژوهشی که توسط حق شناس

(۱۳۷۸) روی ۵۰۲ آزمودنی در شیراز روی ۵ مقیاس اصلی آزمون شخصیتی نش و ۳۰ زیر مقیاس آن انجام داد نشان داد که میانگین و انحراف معیار مقیاسها و شاخصهای آزمون نمونه‌های آمریکایی با ایرانی در مقیاسهای عصیت، باز بودن به تجربه‌ها و اندیشه‌ها، توافق و وجدانی بودن تفاوت دارند. در حالی که، دو گروه از نظر برون‌گرایی تفاوتی نداشتند. پولکینن^۲ (۱۹۹۶) طی پژوهشی سبک شخصیتی ۱۳۷ زن و ۱۳۸ مرد هنرمند را که در پایان مطالعه طولی ۳۷ ساله و در آغاز پژوهش هشت ساله بودند مورد بررسی قرار داد. متغیرهای مورد مطالعه شامل: ویژگیهای شخصیتی، جهت یابی زندگی و فعالیتهای رفتاری بود. در کل ۷ طبقه ویژگی شخصیتی برای مردان و زنان به دست آمد. الگوهای شخصیتی به دست آمده در هیجانانگ شخصیتی و رفتاری مربوط به سالهای اولیه مدرسه ریشه داشتند.

بارون و هارینگتون^۳ خلاقیت را با تعدادی از ویژگیهای شخصیتی شامل هوشمندی و ارزشهای هنری، وسعت علائق، کشمکش به

1- Ferreira 2- Pulkinen

3- Barron & Harrington

سمت پیچیدگی، انرژی بالا، علاقه به کار و پیشرفت، قضاوت مستقل، خودمختاری، شهود، خود اطمینانی، توانایی تحمل، حل تعارض و خودانگاره خلاق مرتبط دانستند. همچنین بیشتر تحقیقات اخیر، گشودگی و پذیرش تجربه را به عنوان یک ویژگی برای اشخاص خلاق به حساب می‌آورند (فرانکن^۱، ۱۹۹۸).

آیزنک و فورنهام^۲ (۱۹۹۳) طی تحقیقی نمره خلاقیت ۶۲ دانش‌آموز رشته هنر را اندازه‌گیری و با نمره‌های پرسشنامه شخصیت آیزنک همبسته کردند. همان‌گونه که از قبل پیش بینی شده بود روان پریشی به طور مثبتی با نمره‌های مقیاس هنری همبسته بود، در حالی که روان نژندی و برون‌گرایی چنین نبودند.

هارگریوز^۳ (۱۹۸۶) در ارتباط با الگوهای رجحان زیبایی شناختی سبکهای هنری با ویژگیهای شخصیتی مطالعاتی انجام داده است. بر اساس پژوهشهای انجام شده چنین به نظر می‌رسد که پویایی شخصیت به میزان زیادی با رفتار زیباشناختی فرد بستگی دارد (به نقل از پوروفایی، ۱۳۷۶).

در پژوهشی توسط بال^۴ (۱۹۸۹) با عنوان

ارتباط بین نفوذپذیری زودگذر خلاقیت و آسسیب‌شناسی روانی بسین هنرمندان و غیرهنرمندان، از نظر نوسان زودگذر، دو جنسی بودن، دیدن کبابوس و فشار روانشناختی تفاوتی به دست نیامد، اما بسین هنرمندان خلاق و غیرهنرمندان تا اندازه تمایز نشان دادند.

بلیک^۵ (۱۹۹۷) طی پژوهشی در زمینه ویژگیهای شخصیتی هنرمندان حرفه‌ای مرد و زن بزرگسال به این نتیجه رسید که، هنرمندان نتایجی را که حاصل می‌کنند به استعداد و توانایی خود نسبت می‌دهند. همچنین، نگرشهای مربوط به نقش جنسی ممکن است در رشد اسنادهای شخصیتی نقش مهمی بازی کنند. به نظر می‌رسد که در جهان هنر، مردان از زنان موفق‌ترند و احتمالاً مهارتها یا نگرشهایی که نسبت به تواناییهای خود دارند، در این امر نقش کلیدی دارد.

کوهن^۶ (۱۹۸۰) با استفاده از پرسشنامه ۱۶ عاملی کتل به توصیف ویژگیهای شخصیتی هنرمندان حرفه‌ای پرداخت. در

- | | |
|--------------|------------|
| 1- Franken | 2- Furnham |
| 3- Horgriuse | 4- Ball |
| 5- Blake | 6- Cohen |

نتیجه مطالعه روابط خانوادگی و رشدی این هنرمندان، اطلاعات جدیدی در ارتباط با ابراز اندیشه‌های خلاق در اشخاص کم‌دین حرفه‌ای موفق به دست آمد. بر اساس این مطالعه هنرمندان کم‌دین تا اندازه‌ای خجالتی، بسیار باهوش، ثابت قدم، خیال پرواز، زیبایی‌شناس، و در برخی اوقات ناتوان از انجام کارهای عمومی هستند.

خویشتر دار- مهار شده تفاوت معنی‌داری وجود دارد. گروه نویسنده در عوامل Q2، Q4، M، I (تسئیده- آرمیده)، قطب مثبت و در عوامل Q3، N، F، قطب منفی و در عوامل O در حد میانگین واقع شده‌اند. گروه کنترل در عوامل Q3، I، F، به قطب مثبت و در عوامل O، Q4، M، Q2 به قطب منفی و در عوامل N به حد میانگین تمایل داشتند.

زینی حسونند (۱۳۷۳) طی تحقیقی به بررسی ویژگیهای شخصیتی گروهی از نویسندگان زن و مرد تهرانی در مقایسه با افراد هم‌تای آنها بر اساس آزمون شخصیتی ۱۶ عاملی کتل پرداخت. نمونه این مطالعه ۳۰ نفر از نویسندگان زن و مرد شهر تهران بودند که از ابتدای سال ۱۳۷۱ تا ابتدای سال ۱۳۷۹ داستانهای آنها در نشریات ادبی کشور به چاپ رسیده بود.

نتایج یافته‌های آماری نشان داد که بین گروه نویسنده و غیرنویسنده در عوامل، A2، A3، C، I، M، N، O به ترتیب: ثبات هیجانی- احساساتی، برون‌گرایی- درون‌گرایی، حساس- سرسخت، خیال پرداز اهل عمل، ملاحظه‌کار- رک گو، بیمناک- مطمئن به خود، خودپسند- متکی به دیگران،

بدیع (۱۳۷۹) در پژوهشی با استفاده از آزمون ۱۶ عاملی شخصیتی کتل ویژگیهای شخصیتی هنرمندان نقاش زن و مرد و نوع کسب آنها را مقایسه کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین ویژگیهای شخصیتی هنرمندان نقاش مرد و زن تفاوت وجود دارد. همچنین، بین ویژگیهای شخصیتی زنان نقاش سبک کلاسیک با رمانتیک تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بین ویژگیهای شخصیتهای زنان کلاسیک با مردان کلاسیک تفاوت معنی‌داری به دست آمد و بین ویژگیهای شخصیتهای زنان نقاش سبک رمانتیک با مردان دارای سبک رمانتیک نیز تفاوت معنی‌داری در سطح $P < 0/05$ به دست آمد. به علاوه، بین ویژگیهای شخصیتهای نقاشان سبک رمانتیک با مردان و زنان سبک کلاسیک و زنان سبک رمانتیک تفاوت

معنی‌داری در سطح $P < 0/05$ مشاهده گردید. وجدانی بودن تفاوت وجود دارد.

سوال پژوهش

۱. آیا بین افراد هنرمند و غیرهنرمند از نظر ویژگیهای شخصیتی تفاوت وجود دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری با گروه غیرهنرمند از نظر ویژگیهای شخصیتی تفاوت وجود دارد.

۲. بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری با گروه غیرهنرمند از نظر عصبیت تفاوت وجود دارد.

۳. بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از نظر برون‌گرایی تفاوت وجود دارد.

۴. بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از نظر باز بودن تفاوت وجود دارد.

۵. بین آزمودنیهای چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از نظر توافق تفاوت وجود دارد.

۶. بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از نظر

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع علی پس از وقوع است و با هدف شناسایی ویژگیهای شخصیتی آزمودنیهای هنرمند و غیرهنرمند بر اساس آزمون شخصیتی نئو و ارائه تصویری روشن از این ویژگیها طراحی شده است.

جامعه آماری این پژوهش، کلیه هنرمندان شهر اهواز در سال ۱۳۸۱ بودند که حداقل سه سال تجربه آموزشی در رشته‌های هنری مورد نظر خود داشتند و کلیه افراد غیرهنرمندی (عادی) که در اداره کل ارشاد اسلامی خوزستان، اداره ارشاد اسلامی اهواز و حوزه هنری تبلیغات اسلامی به کار مشغول بودند. در این پژوهش نمونه‌ای مشتمل بر ۴۰۰ آزمودنی، ۸۰ نفر غیرهنرمند و ۳۲۰ هنرمند، به روش تصادفی ساده از چهار رشته هنری (نمایش، موسیقی، هنرهای تجسمی و شعر و ادب) انتخاب شد. از تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده، تعداد ۳۷۷ پرسشنامه به دست پژوهشگران رسید. از مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده با روش حضوری، ۳۳ پرسشنامه به دلیل نقصهای اساسی در پاسخگویی به

پرسشنامه‌های مربوط به آزمون ویژگیهای شخصیتی حذف شدند و ۳۷۷ نفر باقیمانده از نظر آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

آزمون شخصیتی نئو، فرم تجدید نظر شده

الگوی پنج عاملی شخصیت به وسیله تلاشهای بسیاری از محققان رشد و گسترش پیدا کرد، این رشد از نیم قرن پیش با کارهای مک دوگال و ترستون^۱ با هدف کاهش عناصر شخصیتی برای ایجاد یک مجموعه عناصر شخصیتی آغاز شد (کاستا و مک کاری، ۲۰۰۰).

آزمون شخصیتی نئو یک آزمون شخصیتی است که در اصل نام آن از سه شاخص اولیه آن یعنی، روان‌نژندی (در برابر ثبات هیجانی)، برون‌گرایی (در برابر درون‌گرایی) و باز بودن (به تجربه‌ها و اندیشه‌ها) گرفته شده و مدیون کارهای بسیار زیاد کاستا و مک کاری است (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲). این آزمون ۵ شاخص و هر شاخص آن ۶ زیر شاخص دارد و در کل از ۲۴۰ عبارت تشکیل شده است. آزمودنی پاسخ مورد نظر خود را برای هر عبارت روی یک مقیاس ۵ گزینه‌ای از (کاملاً

قبول تا کلاً رد) ارائه می‌دهد. این آزمون برای افراد بالاتر از ۱۷ سال کاربرد دارد و زمان پاسخگویی به آن ۳۰ تا ۴۰ دقیقه است. پنج زمینه اصلی شخصیت که در این آزمون مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: روان‌نژندی در برابر ثبات هیجانی، برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی، باز بودن به تجربه‌ها یا اندیشه‌ها، توافق در برابر تقابل و وجدانی بودن یا گرایش به کار (حق شناس، ۱۳۷۸).

آزمون نئو دارای الگویی نظری است که از در هم آمیختن یافته‌های پژوهشی در زمینه شخصیت در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی شکل گرفته است. مقیاسهای این آزمون از ترکیب برداشت منطقی و روشهای آماری تحلیل عوامل به دست آمده‌اند، و در ۲۰ سال گذشته در پژوهشهای گسترده پایایی^۲ و روایی^۳ خوبی را نشان داده‌اند. آزمون نئو ابتدا برای ارزیابی ویژگیهای شخصیتی افراد سالم ساخته شد و هنجاریابی اصلی آن نیز بر روی نمونه‌های افراد بهنجار بوده است (کاستا و مک کاری، ۱۹۸۵، به نقل از حق شناس، ۱۳۷۸). اما پژوهشهای بعدی نشان داد که این

1- Mc Dougall & Thurstone

2- reliability

3- validity

جدول ۱. ضرایب پایایی ویژگیهای شخصیتی نثو در پژوهش حاضر

روشهای محاسبه پایایی	حسبیت	برون‌گرایی	باز بودن	روایی	وضعیت بودن	کل مقیاس
آلفای کرونباخ	۰/۸۴	۰/۷۸	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۹۳
تصنیف	۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۷۴	۰/۸۱	۰/۸۹	۰/۹۶

چرخش واریماکس به خوبی نشان دهنده ارتباط هر زیر شاخص با مجموعه خود است. دامنه مطلق بارهای عاملی بالاتر از ۰/۴۰ ملاک کار برده است. توان تمیزدهندگی بالای پرسشها و شاخصها به خوبی در نسخه فارسی آزمون نثو به دست آمده است.

برای سنجش پایایی باز آزمایی نسخه فارسی آزمون نثو، این آزمون روی ۲۶ نفر (۱۴ مرد و ۱۲ زن) از آزمودنیها ۶/۷ ماه پس از اجرای اول آزمون اجرا گردید. نتایج نشان دهنده ضرایب همبستگی ۰/۵۳ تا ۰/۷۶ برای مقیاسهای اصلی بود. در بیشتر شاخصهای آزمون نیز ضرایب قابل قبولی در بازآزمایی به دست آمد.

در پژوهش حاضر جهت محاسبه پایایی آزمون ویژگیهای شخصیتی نثو از روشهای آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده شد که نتایج حاصل در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

آزمون می‌تواند در موارد دیگری از جمله مشاوره و بررسی وضعیت روانی نیز کاربرد داشته باشد (فاگان^۱، ویز^۲ و اشمیدت^۳، ۱۹۹۱). لازم به توضیح است که، این آزمون در مورد کودکان و بیماران روانی در مرحله حاد یا پیشرفته کاربرد چندانی ندارد. بر اساس بررسیهای به عمل آمده ضرایب پایایی مقیاسهای آزمون نثو در فاصله‌های سه ساله، و شش ساله از ۰/۶۳ و ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ بوده‌اند (کاستا و مک‌کاری، ۱۹۹۲).

اعتبار و پایایی آزمون در ایران

این آزمون توسط حق‌شناس (۱۳۷۸) روی گروهی از جمعیت ایرانی ساکن در شهر شیراز هنجاریابی شده است. آزمودنیهای پژوهش وی را ۵۰۲ نفر (۲۴۳ زن و ۲۵۹ مرد) از بستگان درجه دوم بیماران بستری شده تشکیل دادند.

حق‌شناس (۱۳۷۸) برای مقیاسها

ضریبهای آلفایی بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۳ به دست آورده است. تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی با

1- Fagan

2- Wise

3- Schmidt

جدول ۲. ضرایب اعتبار آزمون شخصیتی نشو با استفاده از آزمونهای SCL90-R، مقیاس D و ویژگیهای شخصیتی آیزنک در پژوهش حاضر

شاخصها	سلامت روان			مقیاس D			ویژگیهای شخصیتی آیزنک		
	ضریب اعتبار	سطح معنی دار	تعداد	ضریب اعتبار	سطح معنی دار	تعداد	ضریب اعتبار	سطح معنی دار	تعداد
عصبیت	۰/۴۶	۰/۰۰۱	۶۹	۰/۴۴	۰/۰۰۱	۷۱	۰/۳۳	۰/۰۰۳	۸۰
برونگرایی							۰/۲۸	۰/۰۳	۸۳
بازبودن	-۰/۲۷	۰/۰۲	۶۷						
توافق				-۰/۴۱	۰/۰۰۱	۷۵			
وجدانی بودن				-۰/۳۵	۰/۰۰۱	۷۸	-۰/۳۰	۰/۰۴	۸۰

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود همه ضرایب پایایی پرسشنامه ویژگیهای شخصیتی نشو در پژوهش حاضر، در حد مطلوب می باشند. و به نظر می رسد این آزمون از پایایی بسیار خوبی برخوردار است. در پژوهش حاضر جهت تعیین اعتبار^۱ آزمون شخصیتی نشو از آزمونهای سلامت روان SCL-90-R و مقیاسهای سلطه گیری، جزم گرایی و آزمون شخصیتی آیزنک استفاده شد. این آزمونها به عنوان ابزارهایی برای تعیین اعتبار همزمان مورد استفاده قرار گرفتند. ضرایب اعتبار حاصل از آنها در جدول ۲ گزارش شده اند.

جدول ۲ ضرایب اعتبار آزمون ویژگیهای شخصیتی نشو را بسا استفاده از آزمونهای SCL90-R، سلطه گرایی، جزم گرایی و ویژگیهای شخصیتی آیزنک نشان می دهد. همان طور که در این جدول ملاحظه می گردد

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود همه ضرایب پایایی پرسشنامه ویژگیهای شخصیتی نشو در پژوهش حاضر، در حد مطلوب می باشند. و به نظر می رسد این آزمون از پایایی بسیار خوبی برخوردار است. در پژوهش حاضر جهت تعیین اعتبار^۱ آزمون شخصیتی نشو از آزمونهای سلامت روان SCL-90-R و مقیاسهای سلطه گیری، جزم گرایی و آزمون شخصیتی آیزنک استفاده شد. این آزمونها به عنوان ابزارهایی برای تعیین اعتبار همزمان مورد استفاده قرار گرفتند. ضرایب اعتبار حاصل از آنها در جدول ۲ گزارش شده اند.

جدول ۲ ضرایب اعتبار آزمون ویژگیهای شخصیتی نشو را بسا استفاده از آزمونهای SCL90-R، سلطه گرایی، جزم گرایی و ویژگیهای شخصیتی آیزنک نشان می دهد. همان طور که در این جدول ملاحظه می گردد

1- validity

آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شد. برای بررسی محل تفاوتها نیز آزمون پیگیری شفه به کار برده شد.

یافته‌های توصیفی

نمره‌های به دست آمده از تمامی آزمودنیها به غیر از آزمودنیهایی که به دلیل ناقص گذاشتن بخشی از پرسشهای آزمون حذف شده بودند مورد تحلیل قرار گرفتند. میانگین، انحراف معیار و فراوانی آنها محاسبه گردید. این یافته‌ها در جدول شماره ۳ آمده‌اند. همان گونه که در جدول شماره ۳ ملاحظه

یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده در رابطه با نمره‌های آزمودنیها در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود. در بخش یافته‌های توصیفی به گزارش میانگین، انحراف معیار و فراوانی آزمودنیهای رشته‌های مختلف، اشاره می‌گردد

جدول ۳. میانگین، انحراف معیار و تعداد آزمودنیهای مرد و زن رشته‌های مختلف هنری و گروه غیرهنرمند اهواز در آزمون شخصیتی نئو

شاخصها	گروهها	کل آزمودنیها	نمایش	شماره و ادب	نمره‌های توصیفی	موسیقی	غیر هنرمند
عصبیت	میانگین	۸۸/۲۹	۸۸/۳۳	۸۴/۸۹	۸۷/۲۲	۹۱/۲۹	۸۹/۶۱
	انحراف معیار	۱۹/۵۰	۲۲/۳۳	۲۱/۷۷	۱۵/۴۱	۱۸/۲۵	۱۸/۹۱
	تعداد	۳۷۳	۷۵	۷۲	۷۴	۷۱	۸۱
برون‌گرایی	میانگین	۱۱۴/۸۶	۱۲۰/۱۲	۱۱۴/۴	۱۱۳/۱۲	۱۲۰/۰۳	۱۰۷/۴۹
	انحراف معیار	۱۵/۷۳	۱۶/۳۷	۱۵/۰۳	۱۳/۹۳	۱۲/۸۶	۱۶/۵۲
	تعداد	۳۷۳	۷۵	۷۲	۷۴	۷۱	۸۱
بازبودن	میانگین	۱۱۴/۴۹	۱۱۸/۲۱	۱۲۰	۱۱۲/۴۵	۱۱۹/۱۴	۱۰۳/۹۴
	انحراف معیار	۱۳/۹۹	۱۲/۰۴	۱۴/۶۱	۱۲/۹۷	۱۲/۵۶	۱۰/۸۸
	تعداد	۳۷۳	۷۵	۷۲	۷۴	۷۱	۸۱
توافق	میانگین	۱۱۰/۹۷	۱۱۱/۱۸	۱۱۴/۲۰	۱۰۵/۶۲	۱۱۱	۱۱۲/۷۶
	انحراف معیار	۱۴/۱۵	۱۵/۷۱	۱۲/۰۴	۱۴/۷۹	۱۱/۰۷	۱۵/۱۱
	تعداد	۳۷۳	۷۵	۷۲	۷۴	۷۱	۸۱
وجدانی بودن	میانگین	۱۲۵/۵۹	۱۳۲/۷۱	۱۲۸/۸۱	۱۲۱/۳۱	۱۲۴/۵۵	۱۲۱/۳۹
	انحراف معیار	۱۸/۳	۲۰/۹۸	۱۸/۴۶	۱۶/۱۳	۱۱/۴۹	۱۷/۴
	تعداد	۳۷۳	۷۵	۷۲	۷۴	۷۱	۸۱

خود اختصاص دادند. در شاخص وجدانی بودن، رشته نمایش بیشترین میانگین را با $132/71$ و رشته موسیقی کمترین انحراف معیار را با $11/49$ به دست آوردند.

یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

به منظور آزمون فرضیه اول یعنی، بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از لحاظ ویژگیهای شخصیتی تفاوت وجود دارد، از تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده گردید و نتایج آن در جدول شماره ۴ آمده‌اند.

مسی‌گردد، بالاترین میانگین را شاخص عصبيت، رشته موسیقی با میانگین $91/29$ و کمترین انحراف معیار را رشته هنرهای تجسمی با $15/41$ به خود اختصاص دادند. در شاخص برون‌گرایی، رشته نمایش بیشترین میانگین $120/12$ و رشته موسیقی کمترین انحراف معیار $12/86$ را کسب کردند. در شاخص باز بودن، بالاترین میانگین را رشته شعر و ادب با میانگین 120 و گروه غیرهنرمند کمترین انحراف معیار را با $10/88$ به دست آوردند. در شاخص توافق، رشته شعر و ادب بیشترین میانگین را با $114/20$ و رشته موسیقی کمترین انحراف معیار را با $11/07$ به

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) بین میانگین نمره آزمون شخصیتی نثر

در هنرمندان رشته‌های مختلف و گروه غیرهنرمند شهرستان اهواز

نوع اثر	نام آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df اشیاء	سطح معناداری
اثر گروه	Pillais	0/367	7/44	20	1472	0/001
	Hotellings	0/438	7/98	20	1454	0/001
	Wilks	0/670	7/77	20	1211/52	0/001
	Roys	0/218				

زوج از گروههای پسنجگانه از نظر یکی از ویژگیهای شخصیتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لذا، فرضیه تحقیق پذیرفته و فرض صفر رد می‌شود.

برای بررسی دقیق‌تر تفاوت بین میانگین

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود می‌توان فرضیه یکسان بودن میانگینهای متغیرهای وابسته (ویژگیهای شخصیتی) را در گروههای مختلف در سطح آلفای $0/001$ رد کرد. حداقل، بین یک

نمره‌های شاخصهای آزمون شخصیتی نشو، چهار گروه هنرمند و گروه غیرهنرمند به طور مجزا از طریق تحلیل واریانس یک راهه مورد مقایسه قرار گرفتند. فرضیه دوم این بود که بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از نظر عصبیت تفاوت وجود دارد.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانسهای یک راهه حاصل از MANOVA بین خرده مقیاسهای آزمون شخصیتی نشو در گروههای هنرمند و غیرهنرمند اهواز

مؤلفه‌های ویژگیهای شخصیتی	مجموع مجذورات فرضیه	مجموع مجذورات خطا	میانگین مجذورات فرضیه	میانگین مجذورات خطا	F	معنی داری سطح
عصبیت	۱۶۹۷/۷۹	۱۳۹۸۰۵/۲۴	۴۲۴/۴۵	۳۷۸/۸۷	۱/۱۲	۰/۳۴۷
برون‌گرایی	۸۶۵۲/۱۱	۸۳۵۱۵/۱۷	۲۱۶۳/۰۳	۲۲۶/۳۳	۹/۵۶	۰/۰۰۱
باز بودن	۱۴۲۴۱/۲۴	۵۸۸۶۵/۵۶	۳۵۶۰/۳۳	۱۵۹/۵۳	۲۲/۳۲	۰/۰۰۱
توافق	۳۱۳۶/۷۸	۷۱۴۰۰/۰۸	۷۸۴/۱۹	۱۹۳/۵۰	۴/۰۵	۰/۰۰۳
وجدانی بودن	۷۲۸۴/۲۵	۱۱۷۲۶۷/۹۸	۱۸۲۱/۰۶	۳۱۷/۸۰	۵/۷۳	۰/۰۰۱

شخصیتی نشو در آزمودنیهای هنرمند و گروه غیرهنرمند با درجات آزادی ۳۶۹ و ۴ در سطح معنی داری $\alpha=0/001$ تفاوت معنی داری وجود دارد. به این معنی که، حداقل دو گروه از پنج گروه در این شاخص با یکدیگر تفاوت معنی داری دارند. جهت پی بردن به محل تفاوتها و این که تفاوت مشاهده شده در کدام گروه هنری با افراد غیرهنرمند بوده است از روش پیگیری شفه استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۶ آورده شده‌اند.

همان‌گونه که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌گردد، بین دو گروه هنری موسیقی و نمایش با گروه غیرهنرمند از نظر برون‌گرایی تفاوت

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، بین شاخص عصبیت آزمون شخصیتی نشو در آزمودنیهای هنرمند و غیرهنرمند با درجات آزادی ۳۶۹ و ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ تفاوت معنی داری وجود ندارد. این بدان معناست که، هنرمندان و گروه غیرهنرمند در این شاخص با یکدیگر تفاوت معنی داری ندارند.

فرضیه سوم. بین آزمودنیهای چهار گروه هنری مورد مطالعه با افراد غیرهنرمند از نظر برون‌گرایی تفاوت وجود دارد.

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، بین شاخص برون‌گرایی آزمون

جدول ۶. نتایج پیگیری تفاوتها به روش شفه در آزمودنیهای هنرمند و گروه غیرهنرمند در شاخص برون‌گرایی
آزمون شخصیتی نشو

میانگین	گروهها	۲	۳	۴	۵	۱
۱۰۷/۴۹	غیرهنرمند ۲					
۱۱۳/۱۲	هنرهای تجسمی ۴					
۱۱۴/۴۰	شعر و ادب ۳					
۱۲۰/۰۶	موسیقی ۵	×				
۱۲۰/۱۲	نمایش ۱	×				

جدول ۷. نتایج پیگیری تفاوتها به روش شفه در آزمودنیهای هنرمند و گروه غیرهنرمند در شاخص بازبودن
آزمون شخصیتی نشو

میانگین	گروهها	۲	۳	۴	۵	۱
۱۰۳/۹۴	غیرهنرمند ۲					
۱۱۲/۴۴	هنرهای تجسمی ۴	×				
۱۱۸/۲۱	نمایش ۱	×				
۱۱۹/۳۳	موسیقی ۵	×	×			
۱۲۰	شعر و ادب ۳	×	×			

مسی‌گردد؛ بین شاخص باز بودن آزمون شخصیتی نشو در آزمودنیهای هنرمند و گروه غیرهنرمند با درجات آزادی ۳۶۹ و ۴ در سطح معنی‌داری $\alpha=0/001$ تفاوت معنی‌داری وجود دارند. به این معنی که، حداقل دو گروه از پنج گروه در این شاخص تفاوت معنی‌داری دارند. جهت مشخص ساختن محل تفاوتها از روش پی‌گیری شفه استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۷ آمده است.

معنی‌داری وجود دارد. این بدان معناست که دو گروه هنرمند نمره بیشتری از گروه غیرهنرمند در این مقیاس کسب کرده‌اند، و گروه غیرهنرمند نسبت به دو گروه هنرمند از ویژگی برون‌گرایی کمتری برخوردار است.

فرضیه چهارم. بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از نظر باز بودن تفاوت وجود دارد. همان‌گونه که در جدول شماره ۵ ملاحظه

همان طوری که در جدول شماره ۷ مشاهده می‌گردد، بین تمام گروههای هنری با گروه غیرهنرمند از نظر باز بودن تفاوت وجود دارد. به این معنی که گروه غیرهنرمند نسبت به گروههای هنری در این مقیاس نمره کمتری کسب کرده است. فرضیه پنجم، بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از نظر توافق تفاوت وجود دارد. همان گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌گردد، بین شاخص توافق آزمون شخصیتی در آزمودنیهای هنرمند و گروه غیرهنرمند با درجات آزادی ۳۶۹ و ۴ در سطح معنی‌دار $\alpha=0/03$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این بدان معناست که حداقل بین دو گروه از پنج گروه در این شاخص تفاوت معنی‌داری وجود دارد. جهت مشخص نمودن مسجل تفاوتها از روش پیگیری شفه استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۸ آورده شده‌اند. همان طوری که در جدول ۸ ملاحظه می‌گردد بین گروه غیرهنرمند با گروه هنرهای تجسمی از نظر توافق تفاوت وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه هنرهای تجسمی است، به این معنی که گروه هنرمند نسبت به گروه غیرهنرمند نمره بالاتری کسب نموده است. فرضیه ششم، بین آزمودنیهای هر یک از چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از نظر وجدانی بودن تفاوت وجود دارد. همان طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌گردد، بین شاخص وجدانی بودن آزمون شخصیتی نشو در آزمودنیهای هنرمند و گروه غیرهنرمند با درجات آزادی ۳۶۹ و ۴ در سطح

جدول ۸. نتایج پیگیری تفاوتها به روش شفه در آزمودنیهای هنرمند و گروه غیرهنرمند در شاخص توافق مقیاس شخصیتی نشو

میانگین	گروهها	۴	۵	۱	۲	۳
۱۰۵/۶۲	هنرهای تجسمی ۴					
۱۱۱/۰۴	موسیقی ۵					
۱۱۱/۱۹	نمایش ۱					
۱۱۲/۷۶	غیرهنرمند ۲	×				
۱۱۴/۲۱	شعر و ادب ۳	×				

جدول ۹. نتایج پیگیری تفاوتها به روش شفه در آزمودنیهای هنرمند و غیرهنرمند در شاخص وجدانی بردن

آزمون شخصیتی نشو

۱	۲	۵	۶	۴	گروهها	میانگین
					هنرهای تجسمی ۴	۱۲۱/۳۱
					غیرهنرمند ۲	۱۲۱/۴۰
					موسیقی ۵	۱۲۱/۹۷
					شعر و ادب ۳	۱۲۸/۸۰
			×	×	نمایش ۱	۱۳۲/۷۱

غیرهنرمند بر اساس آزمون شخصیتی نشو است. محققان پس از انجام تحقیقات وسیع در مورد ویژگیهای شخصیتی افراد هنرمند با افراد غیرهنرمند تفاوت معنی دار بین آنها مشاهده کردند. به عبارت دیگر، با استناد به جداول شماره ۶ تا ۹ پیگیریهای شفه، نتایج به دست آمده فرضیههای مربوط به تفاوت بین آزمودنیهای حداقل یکی از چهار گروه هنرمند را با افراد غیرهنرمند در چهار ویژگی شخصیتی مورد تأیید قرار می دهند.

از طرف دیگر، این نتیجه توانایی ابزار موجود را به منظور تشخیص تفاوت بین ویژگیهای شخصیتی افراد در ردههای مختلف حرفه‌ای نشان می دهد. نتیجه به دست آمده به این صورت تبیین می شود که با توجه به شرایط حاکم بر فعالیتهای هنری، و با توجه به

$\alpha=0/001$ تفاوت معنی داری وجود دارد، به این معنی که حداقل بین دو گروه از پنج گروه در این شاخص تفاوت معنی داری وجود دارد. جهت مشخص ساختن محل تفاوتها از روش پیگیری شفه استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۹ آورده شده اند.

همان طور که در جدول شماره ۹ ملاحظه می گردد، بین آزمودنیهای گروه هنری نمایش با گروه غیرهنرمند از نظر وجدانی بودن تفاوت وجود دارد، یعنی این گروه هنری نسبت به گروه غیرهنرمند در این مقیاس نمره بیشتری کسب کرده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه ویژگیهای شخصیتی آزمودنیهای هنرمند و گروه

نظریه صفات کتل (۱۹۵۹) و دیدگاه کاستا و مک‌کری (۱۹۹۵)، پاسخ متفاوت انسان به موقعیتهای خاص، به دلیل آمادگیهای مشخصی است که در آنها وجود دارد. این آمادگیها که صفات نام دارند به ویژگیهای پایدار شخصیتی تبدیل می‌شوند تا بتوانند در حیطه‌های مختلف هنری به صورت بارزتر آشکار شوند. نتایج به دست آمده با مطالعات فریرا (۱۹۹۶)، حق شناس (۱۳۷۸) و پولکنین (۱۹۹۶) همخوانی دارند.

نتیجه حاصل از فرضیه تفاوت بین آزمودنیهای چهار گروه هنری مورد مطالعه با افراد غیرهنرمند از نظر عصیت با توجه به جدول شماره ۵ نتایج تحلیل واریانس یک راهه مورد تأیید قرار نگرفت. به عبارت دیگر، بین آزمودنیهای هنرمند و گروه غیرهنرمند از نظر عصیت، تفاوت معنی داری وجود ندارد. با توجه به نتیجه به دست آمده فرضیه تحقیق رد می‌شود که با نتایج تحقیق سیمونتون (۲۰۰۰) همسویی نشان می‌دهد. بر اساس نظریه روانکاوی، فرض بر این است که بین عصیت به عنوان یک ویژگی منفی و موفقیت پسین حرفه‌ای رابطه مشخصی وجود ندارد و شرط ضروری موفقیت در فعالیتهای هنری و تحقق یافتن استعدادهای هنری نیست.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه تفاوت معنی دار بین آزمودنیهای چهار گروه هنری مورد مطالعه با گروه غیرهنرمند از نظر برون‌گرایی با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۶ مورد تأیید قرار گرفت. لذا فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود و فرضیه صفر رد می‌شود. به دلیل این که هنرمند با افراد جامعه سر و کار دارد و برای مردم جامعه فعالیت هنری انجام می‌دهد انتظار این بود که نسبت به افراد غیرهنرمند نمره برون‌گرایی بالاتری داشته باشد. نتایج حاصل از این فرضیه با تحقیقات فرانکلین (۱۹۹۸)، هارگریز (۱۹۸۶)، کوهن (۱۹۸۰)، بسدیغ (۱۳۷۹) و زیسنی حسنوند (۱۳۷۳) همخوانی دارد.

از جمله دیگر فرضیه‌های مطرح شده وجود تفاوت بین آزمودنیهای هنرمند و غیرهنرمند در شاخص باز بودن است. با استناد به نتایج جدول شماره ۷ که تحلیل واریانس یک راهه در این شاخص نشان می‌دهد، می‌توان گفت که بین آزمودنیهای هنرمند و غیرهنرمند از نظر باز بودن تفاوت معنی داری وجود دارد. بدین سان، این فرضیه نیز مورد تأیید قرار گرفت. نتایج به دست آمده با نتایج تحقیق حق‌شناسی (۱۳۷۸)، فرنام و مسوسوی (۱۳۷۸)، پولکنین (۱۹۹۶) و

فرانکلین (۱۹۹۸) و بقیه مطالعات ذکر شده در پیشینه هماهنگ می‌باشد.

فرضیه دیگری که در این پژوهش مطرح گردید وجود تفاوت بین آزمودنیهای هنرمند و غیرهنرمند در شاخص توافق است. با استناد به محتوای جدول شماره ۸ می‌توان گفت که بین آزمودنیهای هنرمند و غیرهنرمند از نظر توافق تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به این ترتیب، این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه به دست آمده با نتایج تحقیق (فرانکلین، ۱۹۹۸؛ هسارگریز، ۱۹۸۶؛ بدیع، ۱۳۷۹ و زینبی حسنونند، ۱۳۷۳) هماهنگی دارد.

آخرین فرضیه مطرح شده در این پژوهش، وجود تفاوت بین آزمودنیهای هنرمند و غیرهنرمند در شاخص وجدانی بودن است. با مراجعه به جدول شماره ۹ می‌توان گفت که بین آزمودنیهای هنرمند با گروه غیرهنرمند از نظر وجدانی بودن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لذا، این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. نتایج به دست آمده با تحقیق (فرانکلین، ۱۹۹۸)، (بلاک، ۱۹۹۷)، (بدیع، ۱۳۷۹) و (زینب حسنونند، ۱۳۷۹) هماهنگی نشان می‌دهد. افراد هنرمند به این دلیل که اشکال پیچیده و نامتعادل را بر طرحهای ساده و متعادل ترجیح می‌دهد و به خاطر پذیرش مثبت، مهارت و تحمل بالا نسبت به افراد غیرهنرمند از نظر ویژگیهای شخصیتی با افراد هنرمند تفاوت معنی‌داری دارند. هنرمند به دلیل این که با مردم و در درون مردم است و به دلیل این که بدون وجود مردم و حضور آنها هنرمند بودن معنا و مفهومی ندارد، باید از نظر ویژگیهای شخصیتی مثبت مانند، برون‌گرایی، باز بودن، توافق و وجدانی بودن نمره بالاتری کسب کند. بنابراین، در صورتی که گزینش، انتخاب و گماردن هنرمندان به فعالیتهای مختلف هنری براساس ویژگیهای شخصیتی آنها باشد موفقیت بعدی بیشتری به همراه خواهد داشت. برنامه‌ریزی برای به کارگیری هنرمندان بر اساس ویژگیهای شخصیتی آنها باید بر اساس مطالعات پیاپی و آزمایشی در این زمینه باشد، که پژوهش حاضر آغازی برای دستیابی به این موارد است.

منابع

فارسی

- بدیع، علی (۱۳۷۹). "بررسی ویژگیهای شخصیتی هنرمندان دارای سبکهای مختلف نقاشی شهرستان اهواز"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.
- پروین، لارسن (۱۹۸۵). "روانشناسی شخصیت"، مترجم: کسدیور، پروین (۱۳۷۴). مؤسسه خدماتی و فرهنگی رسا.
- حق شناس، حسن (۱۳۷۸). "هنجار یابی آزمون شخصیتی نئو، فرم تجدیدنظر شده". اندیشه و رفتار، سال چهارم، شماره ۲، صفحات ۳۸ تا ۴۷.
- خسروی، مریم (۱۳۸۱). "بررسی ویژگیهای شخصیتی کارشناسان کاوش اطلاعات"، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- راس، آلن ا. "روانشناسی شخصیت"، مترجم: جمال فر، سیاوش (۱۳۷۵). تهران نشر روان.
- زینی حسنونند، ناهید (۱۳۷۳). "بررسی ویژگیهای شخصیتی نویسندگان در مقایسه با افراد غیر نویسنده شهر تهران". رساله کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- سیمونتون، دین کیت (۲۰۰۰)، خلاقیت: جنبه‌های شناختی، شخصی، تحولی و اجتماعی". مترجم: شکرکن، حسین (۱۳۷۹). مجله دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال پنجم، شماره‌های ۱ و ۲ صفحات ۷۱-۹۲.
- شریعتی، علی (۱۳۷۹). هنر، مجموعه ۳۲ اثر از دکتر علی شریعتی. تهران: انتشارات چاپخش.
- عبدا... پور وفایی، پروین (۱۳۷۶). "بررسی ارتباط فرم موسیقی با خلق در نوازندگان شهر تهران". رساله کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.

لاتین

- Beal, Stephaine, W. (1989). The boundry characteristics of artists *development activity information*, (50/60), p 1569.
- Blak, Patrica, Louise (1997). Similarity and gender differences in personality attributes of talented adolescent visual artists. *Development Activity Information*, 57/70- p 2810.
- Cattell, R.B. (1956). *The Meaning and Measuerment of Neuroticism and Anxiety*. New Yourk: Arnold.

- Cohen, Jeffery, Steven (1980). Personality profile of American comic art professionals. *Development Activity information (DAIB)*. 41/04 P/495.
- Costa, P.T. & Mc Care, R.R. (1995). *Theories of personality and psychopathology: Approaches derived from philosophy and psychology. Comprehensive textbook of psychiatry* (4th Ed). Baltimore. Williams & Wilkins.
- Costa, P.T., & Mc Care R.R. (1992). *Theories of personality and psychopathology. Comprehensive textbook of psychiatry* (4th Ed). Baltimore. Williams & Wilkins.
- Costa & Mc Care (2002). Designed to measure five major dimensions or domains of normal adult personality. *Psychological Assessment Resources*, Inc.
- Eysenck & Furnham (1993). "Personality and the Barron- Welsh scale" *Perceptual and Motor Skills*, Vol 76, 3, p. 837-838.
- Eysenck, H.J., & Eysenck, B.G. (1969). *Personality structure and measurement*. London' Routledge & Kegan Paul.
- Fagan, P.J., Wise, T.N. Schmidt, C.W., Ponticas, Y., Marshall, R.D. & Costa, P.T. (1991). A comparison of five factor personality dimensions in males with sexual dysfunction and males with paraphilia. *Journal of Personality assesment*, 57, 434-443.
- Franken, R. (1998). "Curiosity, exploratory behavior, sensation seeking, and creativity". Brooks/cole publishing company.
- Ferreira, Jeresa (1996). "Psychoanalysis and painting. *Portugues- de- Psicanalisa*. No (4) p(5-12).
- Gray, J.A. (1994). *Framework for a taxonomy of psychiatric disorder*. Ins. H.M.V. Gozen, N, Evan.
- Gray, J.A. (1991). *The psychology of fear and stress*. Cambridge: Cambridge university press.
- Gardner, H. (1997). *Creative minds*. New Yourk: Harpercollins.
- Hale, Carl's (1998). Psychological characteristics of the literary genius. *Journal of Personality Assesment*, 85, 417-439.
- Simonton, D.K. (2000). Talent and its development. An emergence and epigenetic model. *psychological Review*, 106, 434-475.